

جنگ فرسایشی تاکتیک مناسب مبارزه

مذاهب برای انسان ارزش قایل نیستند. برای همه آنها انسان حکم رمه را دارد که توسط چوپانان هدایت می شوند. انسان همیشه گناهکار و هستی اش متکی بر خطا کار بودنش است. انسان همواره از بدو خلقت آلوده است. آلوده بودن جزء ذات انسانی است و توسط خالق مطلق در نهاد بشر گذارده شده است. این تفکر ضد انسانی تفکر همه مذاهب است. اتفاقاً مذهب یهودی در این مورد سرمشق مذهب اسلام است.

این تحقیر مردم، این بی احترامی به مردم، این احمق تصور کردن مردم، این تصور که رهبران مذهبی خود را ناجیان بشریت جا می زنند در رگ و پی رژیم ارتجاعی و عقب مانده جمهوری اسلامی که از چاه جمکران تاریخ با هاله نور بدر آمده است نمایان است. همین بی ارزش شمردن مردم در نفی رای آنها در انتخابات تقلبی رژیم نمایان شد. آنها که می خواستند نمایش انتخاباتی را برای فریب افکار عمومی جهان و مشروعیت بخشیدن به نظام سرکوبگر خویش در چند پرده ایفاء کنند در اثر مبارزه مردم و تضادهای درونی حاکمیت به تنگنا رسیدند و با مغز بر زمین افتادند. آنها دیگر از این تکان مغزی سر بلند نخواهند کرد.

مردم در نخستین ساعات اعلام رسمی نتایج تقلبی انتخابات به خیابانها ریختند و اعتراض خویش را به صورت دستجمعی و مسالمت آمیز بیان کردند. آنها خواستهای روشن و مشخصی داشتند. مردم به نتایج انتخابات بدگمان بودند و خواستار شمارش مجدد آراء و نظارت بر صندوقهای رای بودند. این خواست مردم محقانه بود.

از هفته ها قبل از انتخابات تقلبی نظر عمومی بر این بود که تفاوت آراء میان احمدی نژاد بعنوان نماینده بنیادگرایان و میرحسین موسوی و کربوبی نمایندگان جناح اصلاح طلب زیاد خواهد بود. انتخابات به مرحله دوم می رسد و نتایج آراء "سر به سر" است. این فضای عمومی بود و با واقعیت و احساس عمومی بیشتر همخوانی داشت. حتی نشریات رژیم نیز در همین حد پیشگویی می کردند.

این ادعا که رژیم احمدی نژاد پایگاه اجتماعی ندارد طبیعتاً حرف مفت است و قبل از اینکه ناشی از واقع بینی باشد حاصل نفرت مردم از این رژیم است. ولی جناح بنیادگراها که بهر قیمت می خواستند انتخابات را ببرند در دامنه تقلبات زیاده روی کردند. آنها می توانستند برد موسوی را در دور دوم انتخابات با تفاوت آرائی حدود یک میلیون خنثی نمایند. ولی حاکمیت چون به حمایت جهانی آمریکا و اروپا در خارج و فروکش کردن فوری دامنه اعتراضات مردم و قدرت مطلقه خود برای سرکوب و یکسره کردن کار در همان دوره اول دلبسته بود روشی را انتخاب کرد که ناظر آن بودیم. آنها می خواستند روند سیاسی شدن مردم و شکل گیری جنبش توده ای را ببرند و خفه کنند. آنها روی آن حساب می کردند که موسوی و کربوبی را در مقابل عمل انجام شده قرار می دهند که گزینشی برای آنها جز طغیان علیه جمهوری اسلامی و "محرابه با خدا" نماند و لذا آنها ناچار شوند با توجه به حفظ منافع و مصالح نظام از حقوق خود صرفنظر کنند. زیاده روی حاکمیت در اجرای این سیاست از جمله جعل در مقدار آراء احمدی نژاد به تفاوت ۱۱ میلیون و بی اهمیت جلوه دادن آراء کربوبی به نحو توهین آمیز به مصداق "همینه که هست، آش کشک خالته بخوری پاته نخوری پاته"، "خفه خون بگیر و ساکت شو"، وضعیتی ایجاد کرد که هم نامزدهای اصلاح طلبان را تحریک به مقاومت کرد و هم مردم را برای نشان دادن اینکه مالک اصلی ایران آنهایند و نه خس و خاشاکی نظیر احمدی نژاد به میدان آمدند و خشم خود را بر سر این دستگاه از خود راضی و پرمدها و خود بزرگ بین و بیگانه از ملت فرو ریختند.

تظاهرات مسالمت آمیز آنها بشدت توسط نیروهای از قبل آماده شده بسیج و لباس شخصی و انتظامات سرکوب شد. جنایتکاران بسیجی و لباس شخصی صدها نفر را با چاقو، قمه و تیراندازی هدفمند به قتل رسانده و اسراء رادر زندانها در زیر شکنجه به قتل رساندند. این لباس شخصی ها و بسیجی ها انسان را بیاد دوران شاه می انداخت که رنجرها و لباس شخصی ها را برای آدمکشی به دانشگاه و مدرسه قیضیه قم اعزام کرده بودند که طلاب را از پشت بام به حیاط پرت می کردند. این تجربه تکرار تاریخ بود روزی بدست شاه و روزی بدست شیخ انجام می شد. مقاومت مردم نخست به صورت مقابله گلوله با سنگ و چوب بود. ولی این مقابله نابرابر که قربانی فراوان داشت پس از اعلام موضع خامنه ای که انتخابات تقلبی اش بنا بر مصالح اسلام ناب محمدی مشروعیت دارد به اوج خود رسید. چون این تهدید مسخره نشانه اوج تحقیر و توهین به مردم بود.

مردم دست خالی از مبارزه مسالمت آمیز دست برنداشتند، شعارهای خویش را تا مرگ برخامنه ای و دیکتاتور ارتقاء دادند. زیرا این خامنه ای بود که خود را سپر بلا کرده بود و مردم نیز این سپر را نشانه گرفتند. فضای جدیدی خلق شد، روحیه مردم ارتقاء پیدا کرد، آنها در پی یافتن راه ها و تاکتیک های جدید مبارزه افتادند. ایرانی ها در مبارزات خیابانی تجربه طولانی دارند. جنبش ملی شدن صنعت نفت، اعتصابات کارگری سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، تظاهرات سی ام تیر روز قیام ملی، تظاهرات دانش آموزان در ۷ مهر ماه ۱۳۳۹، تظاهرات آموزگاران که منجر به شهادت دکتر خانعلی در میدان بهارستان شد. مبارزات ۱۵ خرداد و سرانجام انقلاب شکوهمند بهمن، همه و همه تظاهرات خیابانی توده ای بودند که ارکان رژیمهای دیکتاتوری ایران را تکان دادند.

قدرت خیابان در مقابل قدرت دولت قرار گرفت و این بار به علت شدت سرکوب، مردم روش مبارزه پراکنده خیابانی را که تجربه سالهای ۲۰ تا ۳۲ و اوایل سالهای ۴۰ است برگزیدند. درحالیکه عده ای با ماشینهای شخصی راه را بر موتور سواران دشمن می بستند صدها نفر بر ضد حکومت تظاهرات می کردند. این نمایشات خیابانی به شب کشیده شد تا مردم از ضربات دشمن مصون باشند. شب ها مردم بر پشت بامها با صدای الله اکبر خشم خویش را نسبت به رژیم ابراز می دارند و عمال سرکوب قادر نیستند جلوی این اعتراض مردمی را علیرغم خونخواری بگیرند. شعار نویسی، چاپ شبنامه در دستور روز گروههای مردم قرار گرفته است. سانسور مطبوعات، پیامکها، قطع ارتباطات تلفنی و اینترنت تنها بطور موقتی در ارتباطات نیروهای مبارز خدشه وارد کرده ولی منجر به تعطیل مبارزه نشده است. مردم با تکیه بر سنتهای انقلابی نیاکان خویش نظیر روزهای ۱۸ تیر، سی ام تیر، چهله شهدا و نظایر آنها آتش مبارزه را روشن نگاه می دارند. این جنگ فرسایشی که تاکتیک جدید مبارزه است روحیه دشمن را خورد می کند، به تشکل و ارتقاء سطح جنبش و نیرو گرفتن نیروهای انقلابی همراه با کار آگاه گرانه یاری می رساند، در میان هیات حاکمه موجب ترس و وحشت شده تضاد های آنها را افزایش می دهد، نیروهای سرکوب خسته می شوند و روحیه شان متزلزل می گردد. جنگ فرسایشی می تواند اقتدار دیگری را نیز به مبارزه جلب کند و آنرا همه گیر نماید. در جنگ فرسایشی می شود مردم را برای شناسائی مامورین رژیم، لباس شخصی ها، لومپنها و چاقوکشان بسیج کرد و تصاویر آنها را در اینترنت منتشر نمود. این امر روحیه ارتجاع را خورد می کند و وحشت مرگ سراپای خانواده آنها را می گیرد. باید تصاویر آنها را در مناطق مورد سکونت آنها همراه شبنامه پخش کرد. آنها خویش را در دریائی از دشمن حس خواهند کرد. این جنگ روانی یک نوع جنگ ایزائی است و نیروی آنها را تحلیل می برد. باید همانگونه که لباس شخصی ها به صورت گروهی در کمین مبارزین می نشینند و بناگاهان به آنها هجوم می برند آنها را شناسائی کرد و توسط گروه های ضربت آنها را چه در محل حادثه محاصره و بی ضرر کرد و چه با تعقیبشان و ”محاکمه صحرائی” به سزای اعمالشان رسانید. این ضد تاکتیک ما، تاکتیک کمین گرفتن لباس شخصی ها را خنثی می کند. بطوریکه آنها در صحنه نبرد ندانند که کسی که در کنار آنها ایستاده عابر معمولی است و یا عنصری انقلابی. این بدگمانی و دلهره را باید در آنها زنده نگاهداشت. طبیعتا در زمان ارتقاء جنبش باید مسلسلها را نیز از زیر خاک بیرون آورد.

اگر مدارس و دانشگاهها و فرهنگیان همگانی به جنبش بپیوندند و بویژه کارگران به صحنه بیایند و اعتصاب عمومی سیاسی در بگیرد کار رژیم جمهوری اسلامی رو به پایان می رود. بعلت سالها سرکوب عامل ذهنی انقلاب، یعنی سازمان سیاسی طبقه کارگر بسیار ضعیف است و فاقد پایگاه توده ای است. همین وضعیت جنبش را بی سرپرست می کند و خطر انحراف آنرا که مجددا خمینی دیگری در رهبری آن قرار گیرد افزایش می دهد. این است که از شعار همه با هم باید پرهیز کرد و در عین ایجاد وحدت عمل و اتخاذ تاکتیکهای مشترک باید خطوط سیاسی و نظری را روشن نگهداشت و این در بیان شعارها و کار ترویجی توسط شبنامه ها بازتاب خواهد یافت.

این خطر انحرافات جنبش همیشه دستاورد دیکتاتوری و استبداد رژیمهای قبل از آن بوده است. بنظر حزب کار ایران (توفان) روش جنگ فرسایشی در این مرحله روش مناسب مبارزه است که باید آنرا با توجه به روان اجتماعی ارتقاء داد و به صورت تهاجمی در آورد.

سازماندهی، سازماندهی، سازماندهی شرط هر پیروزی است. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. حزب کار ایران (توفان) در حد توان خود باین راه می رود و از همه انقلابیون هوادار راه رهائی طبقه کارگر دعوت می کند به صفوف ما بپیوندید.

توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران شماره ۱۱۳ مرداد ماه ۱۳۸۸

toufan@toufan.org

www.toufan.org

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!